

مقایسه و تحلیل داستان بازنویسی شده « طوطی و بقال » (با تکیه بر کتاب مهدی عزتی اثر برگزیده خلاق ۱۳۸۹ شورای کتاب کودک)

سودابه لطفی نژاد جلالی^۱

چکیده

بازنویسی یکی از شیوه‌های تولید در ادبیات کودکان است. روشی پویاست که با هدف ساده و قابل فهم کردن متون کهن یا معاصر، دشواری‌های زبانی و سبکی متون اصلی را از میان بر می‌دارد. و در این دنیای پرتلاطم و وسیله‌ای است برای شناساندن و تثبیت هویت ملی ایرانیان که با هدف پیوند دادن کودک با ادب و فرهنگ گذشته و هویت ملی او انجام می‌گیرد.

آنچه نوشتن این مقاله را ضرورت بخشید آشنایی با شیوه‌های صحیح باز نویسی از جمله بازنویسی خلاق می‌باشد که پژوهشگر می‌کوشد تا با استفاده از تحلیل‌های سه گانه واژگانی، نگارشی و محتوایی متن باز نوشته به بررسی و مقایسه تصاویر و عناصر داستانی با متن اصلی بپردازد تا از این رهگذر زمینه را هرچه بیشتر برای نویسندگان و محققان به شیوه صحیح بازنویسی‌های خلاق فراهم آورد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آشنایی با ادبیات کهن، روایت دوباره و خلق شخصیت‌های جدید و فضاآفرینی مناسب، بیان تصاویر ذهنی خلاق، به کارگیری زبان عاطفی، صحنه سازی مناسب، رعایت قوانین نگارشی و دستوری، توجه به گروه سنی کودکان و دایره واژگانی آن‌ها، استفاده از زاویه دید اول شخص و... در هنگام پردازش داستان باعث گردید تا این کتاب به عنوان اثری جذاب و خواندنی مورد توجه مخاطبین کودک قرار گیرد. پژوهش حاضر می‌کوشد تا با استفاده از روش تحلیلی و تطبیقی به بررسی کتاب برگزیده خلاق « طوطی و بقال » مهدی عزتی بپردازد.

کلید واژه: بازنویسی، بازنویسی خلاق، طرح، شخصیت و شخصیت پردازی

مقدمه:

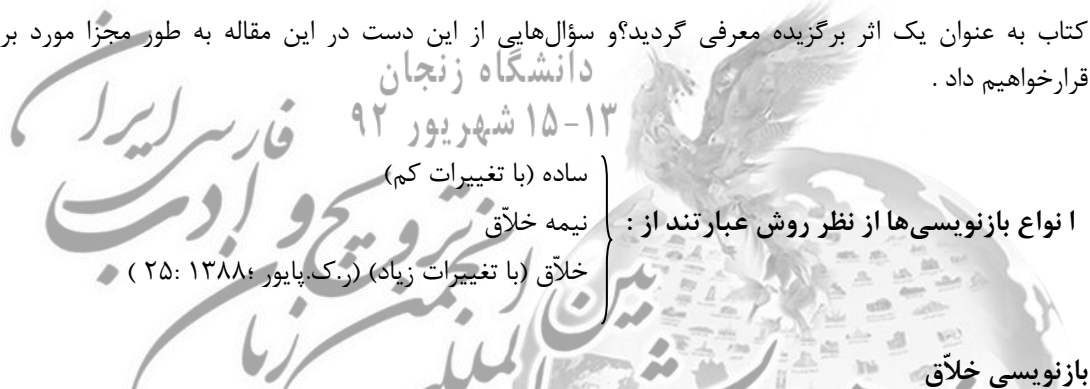
کار خلق و آفرینش در دنیای هنر و ادبیات اهمیت ویژه‌ای دارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که یکی از علل تداوم میراث فرهنگی و ادبی ایران تأمل و جستجو در میراث ادبی گذشتگان به ویژه شعرا و نویسندگان گذشته است. باز نویسی نیز از جمله شیوه‌هایی است که با تأمل و جستجو در آثار پیشینیان به وجود می‌آید و از مشهورترین نوع اقتباس است. راویان و قصه‌گویان در طول زمان بنابر نیازها و ضرورت هر جامعه، قصه‌ها و حکایت‌های خویش را بدون آنکه در پیام و ساختار اصلی قصه‌ها دخل و تصرفی ایجاد کنند تغییر داده و متناسب با آداب و رسوم، فرهنگ و باورها بازگویی می‌کردند. این روش بازگویی در ادبیات کلاسیک و متون کهن ما نیز دیده می‌شود. بازنویسی « بازگویی و باز نوشتن اثری است با حفظ ویژگی‌های اثر بدون دخل و تصرف در آن، فقط زبان را ساده‌تر کرده و آن را متناسب خواننده می‌نماید. » (هاشمی نسب، ۱۳۷۱: ۴۳)

^۱ دبیر، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی sodabehlotfinezad@yahoo.com

میرصادقی نیز باز نویسی را برابر اقتباس می‌داند و می‌نویسد: «اقتباس یا بازنویسی بازنگری اثری است به دلخواه، به طوری که عمل داستانی شخصیت‌ها - تا حدی که ممکن باشد - و خصوصیات زبانی و لحن اثر برجا بماند.» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۲۵) پایور تعریف جامع‌تری نسبت به میرصادقی ارائه می‌دهد و می‌گوید: «بازنویسی، به زبان امروزی در آوردن متون کهن ادب پارسی است به گونه‌ای که کهنگی و دشواری زبان و سبک قدیم از آنها گرفته شود.» (پایور، ۱۳۸۰: ۱۵)

کریم زاد با تکمیل تعاریف دیگران می‌نویسد: «بازنویسی از ادب کهن برای کودکان و نوجوانان یعنی بازنوشتن اثر کهن به زبان امروزی، به اندازه دلخواه و واژگانی مناسب با سن مخاطب کودک و نوجوان به طوری که عمل داستانی شخصیت تا حدی که ممکن باشد و به مناسب اثر با گروه سنی لطمه نزند، خصوصیات زبانی و لحن اثر برجا بماند.» (کریم زاد، ۱۳۸۵: ۱۷۷)

به عبارت دیگر می‌توان گفت: «بازنویسی، روایت دوباره قصه‌ای است با همان موضوع و محتوا در شکل نوشتار امروزی.» (لطفی نژاد، ۱۳۹۱: ۳۰) اینکه بازنویسی از نظر روش برچند نوع است؟ بازنویسی خلاق چیست و چرا این کتاب به عنوان یک اثر برگزیده معرفی گردید؟ و سؤال‌هایی از این دست در این مقاله به طور مجزا مورد بررسی قرار خواهیم داد.



ادبیات کودکان و نوجوانان سه ویژگی مهم دارد. نخست آنکه با زبان و بیان، توانایی درک زبان نوشتاری، تخیل و تجربه‌های کودکان متناسب است از این رو برای هر گروه سنی کودک یا نوجوان از متن‌ها، موضوع‌ها، زبان و بیان متناسب بافهم و درک آن‌ها استفاده می‌شود. زبان و بیان این گونه آثار بسیار ساده است و پا به پای رشد فکری کودکان و نوجوانان پیش می‌رود. دوم به رشد و پرورش شخصیت خواننده کمک می‌کند. سوم آنکه اهمیت تصویر را برای کودک و نوجوان برابر اهمیت نوشته می‌داند و همواره بخشی از پیام را با کمک تصویر بیان می‌کند. (انوشه، ۱۳۷۶: ۵۹)

با توجه به توصیف بالا می‌توان گفت عواملی چون زبان، بیان، تخیل، موضوع، تصویر، سن کودک در ساخت یک اثر برای کودک سهیمند. تناسب موارد بیان شده در کنار تصویر با ارائه ساختاری هنری باعث خلق اثری جذاب و خلاق می‌شود. براین اساس خلاقیت و تخیل نویسنده در چگونگی ساخت و پرداخت یک اثر لازم و ضروری است.

هر نویسنده و هنرمندی حق دارد با ارائه ساختاری نو و هنری به آثار کهن دیدگاه خود را به عنوان درونمایه در هنگام خلق اثر اعمال نماید. بازنویسی خلاق نیز یکی از شیوه‌هایی است که باعث خلق اثر به صورت جدید می‌شود.

هنگامی که نویسندگان معاصر یا کهن... موضوع و محتوای اثر کهن را نگه داشته و در بعد ساختاری اثر خودکار خلاق کرده‌اند، به گونه‌ای که اثرشان دارای بعد هنری شده است این روش را بازنویسی خلاق می‌نامیم. (پایور، ۱۳۸۸: ۵۴)

در این نوع از بازنویسی، بازنویس تنها به ساده کردن زبان اکتفا نمی‌کند (باز نویسی ساده) بلکه با تغییر دادن فضا سازی، برجسته سازی یا کمرنگ کردن شخصیت، پردازش مناسب در پیرنگ و ... به اثر جلوه نوین می‌دهد. این نوع آثار بازنویسی شده هر چند شکلی نو به خود می‌گیرد اما باز موضوع، معنا و مفهوم اثر دچار دگرگونی نمی‌شود. در هر بازنویسی خلاق نویسنده با حفظ موضوع و محتوای اثر کهن با ایجاد فضای مناسب و ارتباط میان شخصیت‌ها به مخاطب کمک می‌کند تا در جریان حوادث، عقاید و نظریات خود را با قرار گرفتن شخصیت‌ها در موقعیت‌های متفاوت با

تمامی تضادها و تعارض‌ها نشان دهد. «شخصیت‌ها نیز در طی حوادث، رفتارها و منس‌های خود را نشان داده و در یک روابط علی و معلولی رفتارها و عملکردهای آنان مشخص می‌شود.» (همان) علاوه بر آن تنها توصیف نیست که باعث معرفی آنان می‌گردد بلکه شخصیت‌ها در سایه یک سری ماجراها و عملکردهای ویژه خود را نشان می‌دهند. می‌توان گفت که بازنویسی‌ها همواره براساس زبان و عناصر ساختاری موجود در یک اثر از هم باز شناخته می‌شوند، هر چقدر یک اثر هنری‌تر و در ساختار فنی‌تر و زیباتر بیان شده باشد آن اثر ارزش هنری بیشتری خواهد داشت. ساخت را می‌توان پیوند خلاق یک رشته حوادث به هم دانست که با پروراندن شخصیت‌ها و فضا آفرینی مناسب زمینه بروز رفتارها و چگونگی رویارویی با حوادث را ایجاد می‌کند. هر ساختار خوبی باید از مقدمه (سرآغاز)، تنه و پایانی جذاب برخوردار باشد.

در یک بازنویسی خلاق اساساً ساختار ادبی اثر باعث جذابیت نوشته می‌شود. زیرا ساختار هر اثری بیان‌کننده ارزش هنری آن اثر می‌باشد. در یک اثر داستانی بازنویسی شده عناصری چون شخصیت و شخصیت پردازی، صحنه سازی، پیرنگ، کشمکش، اوج و فرود، زاویه دید، توجه به روابط علی و معلولی در شکل‌گیری ساختار یک اثر سهم به سزایی دارند. هر چقدر نویسنده با این مسایل بیشتر آشنا باشد و بیان او هنری‌تر و قوی‌تر باشد پیام و منظور نویسنده روشن‌تر به مخاطب می‌رسد و سبب ایجاد تداعی‌های گسترده‌تری در ذهن مخاطب می‌شود. بنابراین آنچه که به یک اثر کهن داستانی، ساختار نو و هنری می‌بخشد ذهن خلاق نویسنده است. او با انتخاب کلمات آهنگین، تخیل هنری، بیان تصاویر ذهنی خلاق، به کارگیری زبان عاطفی، صحنه سازی مناسب، رعایت قوانین نگارشی و دستوری، توجه به روابط علی و معلولی، توجه به گروه سنی کودکان و دایره واژگانی کودکان باعث جذب مخاطب می‌شود و با کمک عوامل فوق پیام خود را هنری‌تر و روشن‌تر به مخاطب می‌رساند. تنوع هنری و ساختار ناب ایجاد می‌کند که آثار امروزی‌ها به صورت خلاق نوشته شوند. شاید بازنویسی‌های ساده روش و منبع خوبی برای اطلاع‌رسانی به افراد کم‌سواد یا نوسواد محسوب می‌شود؛ اما، امروزه باسواد بودن اقشار جامعه، گسترش رسانه‌های اطلاعات جمعی و سرعت اطلاع‌رسانی باعث گردید تا سطح مخاطبین از جمله کودکان دبستانی افزایش یابد و سلیقه‌های آنان با گذشته متفاوت شود لذا توجه به کودک با مفهوم امروزی باعث رشد پرورش کودک می‌شود. بازنویسی خلاق یکی از شیوه‌هایی است که با ساخت داستان‌های امروزی و ابتکاری راه رسیدن به این قلّه موفقیت را برای کودک فراهم می‌کند. که در این بخش با استفاده از تحلیل‌های سه گانه، تصاویر و عناصر داستانی به بررسی و مقایسه این اثر برگزیده خلاق با متن اصلی خواهیم پرداخت.

خلاصه داستان

این داستان برگرفته از حکایت «طوطی و بقال» دفتر اول مثنوی معنوی است. متن بازنویسه در قالب خاطره و از زبان آقانات، طوطی عمو بقال، به صورت داستان امروزی روایت می‌شود. آقانات با شیرین‌زبانی‌های مشتری‌های عمو بقال از کوچک گرفته تا بزرگ را شاد می‌کند. تا اینکه یک روز بر اثر شیطننت و بازی‌گوشی با زنبور ناقل یک شیشه روغن را می‌شکند و عمو بقال از دست او عصبانی می‌شود و با شدت بر سرش می‌کوبد و آقانات کچل می‌شود. او به اعتراض با عمو و بچه‌ها قهر می‌کند. عمو پشیمان شده و از او معذرت‌خواهی می‌کند تا اینکه یک روز با آمدن یک مشتری کچل نبات فریاد می‌زند آیا تو هم شیشه روغن ریختی و بدین طریق با آن‌ها آستی می‌کند.

۱- تحلیل واژگانی و نحوی

از مزایای این باز نوشته عبارتند از:

- تبدیل نثر کهن به نثر امروزی

طراوت و تازگی در متن دیده می‌شود و نویسنده تا حد امکان سعی در ساده سازی متن داشته است. کلمات و جملات ساده و برای کودک قابل فهمند به گونه‌ای که در کل متن واژه‌ای کهن دیده نمی‌شود. برای نمونه:

«بر دکان بودی نگهبان دکان نکته گفته با همه سوداگران
در خطاب آدمی ناطق بودی در نوای طوطیان حاذق بودی»

(مولوی، ۱/۱۳۷۲: ۲۰)

« من در دکان عموبقال زندگی می‌کنم. اینجا به من و مشتری خیلی خوش می‌گذرد، همه بچه‌ها و بزرگ ترها، من را دوست دارند. ما با همه حرف می‌زنیم و از دوستی با هم لذت می‌بریم. »
(عزتی، ۱۳۸۸: ۲)

- جملات به کار رفته کوتاه و ساده‌اند و نویسنده در هنگام تبدیل‌سازی از واژگانی متناسب با سن مخاطبین خود استفاده کرده است.

- نویسنده از آوردن واژگان مترادف در متن پرهیز کرده است و هر واژه به تنهایی معنا و مفهوم خود را می‌رساند.
- چینش مناسب کلمات و جملات، هم چنین نگارش صحیح از مزایای این متن باز نوشته است. به گونه‌ای که نویسنده معانی و مفاهیم پر مغز کهن را با زبانی ساده و تأثیرگذار به مخاطب ارائه می‌دهد.
- پاراگراف بندی به خوبی رعایت گردیده است.

- استفاده از قید و صفات جهت تأکید و جذابیت بخشیدن به فضای داستانی مورد استفاده قرار گرفته است.

«فکر کردم چه قدر زشت و بدترکیب شدم. عمو بقال ناراحت و پشیمان بود که برای یک شیشه روغن این بلا را سر من آورده است» (همان: ۱۰)

« اینجا به من و مشتری ها خیلی خوش می‌گذرد.» (همان: ۲)

... تا باز هم شیرین زبانی کنم (همان: ۱۲)

- نویسنده برای توصیف صحنه‌ها و فضای داستانی گاه از صورخیال استفاده می‌کند که برای کودکان قابل فهمند.

فریادم زدم: «تو هم مثل من شیشه روغن را شکستی» (همان: ۱۵) تشبیه

« بالم را روی سرم کشیدم، دیدم ای داد بیدادا! » (همان: ۹) تضاد، سجع و واج آرایی

« سر به سر من می گذاشت » (همان: ۵) کنایه

- حذف امثال و تلمیحات فارسی از بیت هفده به بعد در متن باز نوشته

- جایگزینی اسم خاص به جای اسم عام «آقابات» به جای «طوطی» در داستان

معایی در متن باز نوشته مشاهده نشد.

۲- بررسی علائم نگارشی (نشانه های سجاوندی)

نشانه گذاری در کل متن به خوبی انجام گرفته است.

« سرم کمی گیج رفت و درد گرفت

بالم را روی سرم کشیدم، دیدم ای داد و بیدادا!

موهایم ریخته است و کچل شده ام.» (همان: ۹) نشانه گذاری صحیح

- حرکت گذاری

متن به دلیل روانی و سادگی واژگان نیاز به حرکت گذاری ندارد. به استثنای واژه‌های «کِز» در جمله «گوشه‌ای کز کردم» (همان: ۸) که نیاز به حرکت گذاری دارد. البته لازم به ذکر است که گذاشتن «ب» نقش نمای اضافه در بعضی از ترکیب‌های وصفی و اضافی برای جلوگیری از بدخوانی الزامی است.

۳- بررسی و تحلیل

انسان اصالتاً موجودی است تشویق پذیر و تنبیه گریز. بدون شک همه ما در زندگی روزمره به طور مستقیم یا غیر مستقیم به گونه‌ای مورد تشویق یا تنبیه از جانب دیگران قرار می‌گیریم. از طرفی این دو عامل از جمله عوامل اساسی و بسیار مهم برای کنترل و تقویت رفتار و یادگیری در انسان به شمار می‌آیند اما آنچه در این میان بیش از هر چیزی حائز اهمیت است. بهره‌گیری صحیح از تشویق و تنبیه در فرآیند یادگیری است بدون شک استفاده نادرست از تشویق و تنبیه نه تنها نمی‌تواند مؤثر واقع شود بلکه ممکن است آثار سوئی نیز به همراه داشته باشد به عنوان مثال تنبیه بدنی موجب افزایش بدرفتاری، لجبازی، منفی‌گرایی، قهر، مقابله جویی، پرخاشگری و ... در کودک می‌شود. همچنان که در این داستان «آقا نبات» برای مقابله با رفتار عمو بقال با او قهر می‌کند و سکوت اختیار می‌کند و در ادامه با دیدن چهره خویش در آینه به سکوت و قهر خود ادامه می‌دهد.

از طرفی رفتارهای تشویقی ما اصولاً ناشی از احساسات و هیجانات زودگذر بوده و یا تنبیهاتی که انجام می‌دهیم برخاسته از خشم و عصبانیت و برآشفته‌گی ماست که اصولاً شتاب زده و بدون تفکر آن را انجام می‌دهیم. در این داستان نیز عموبقال با مشاهده شیشه شکسته و عدم مسئولیت، شیطنت و بازیگوشی نبات از دست او عصبانی می‌شود و برای تخلیه عصبانیت و خشم خویش نبات را مورد تنبیه بدنی قرار می‌دهد و پس از مدتی با فروکش شدن عصبانیت احساس پشیمانی می‌کند و از عمل خود شرم‌منده می‌شود او برای جبران این اشتباه از او معذرت خواهی می‌کند. همچنان که پدران و مادران پس از تنبیه بدنی با نوازش سعی در بدست آوردن دل کودکان خود دارند. رفتار عموبقال و پشیمانی او به واسطه احساس گناهی است که می‌کند به همین جهت حاضر است از هر طریقی که شده او را به سخن گفتن وا دارد. تنبیه نبات در این داستان به گونه‌ای است که منجر به ایجاد تجربه ناخوشایندی در او می‌شود که هر گاه از آن یاد می‌کند ناراحت می‌شود به گونه‌ای که در پایان داستان می‌گوید: «ولی هنوز هر وقت عکس خودم را می‌بینم که چه سر قشنگی داشتم، دلم برای موهایم تنگ می‌شود!» (همان: ۱۵) در واقع او ناراحتی درونی خویش را با دل تنگی بیان می‌کند. حال بهتر است از خود بپرسیم آیا بهتر نیست به جای قضاوت عجولانه و شتاب زده با انجام کارهای خوب مانع از بروز رفتارهای ناپسند در کودک شویم؟

از سوی دیگر رفتار و قیاس نا به جای نبات در برخورد با قضاوی و نگاه او به افراد مطرح می‌شود. که تشابه موجود در میان مخلوقات و پدیده‌های گوناگون جهان دلیل بر برابر بودن احوال نیست. همانگونه که مولانا می‌گوید:

«هر دو گون زنبور، خوردند از محل	لیک شد ز آن نیش و زین دیگر عسل
هر دو گون آهو، گیاخوردند و آب	زین یکی سرگین شد ز آن مشک ناب
هر دو نی خوردند از یک آبخور	این یکی خالی و آن پر از شکر
صدهزاران این چنین اشباه بین	فرقشان هفتاد ساله راه بین»

(مولوی، ۱۳۷۲ / ۱ : ۲۱)

اینکه ماهیت و خواص اشیاء عامل شناخت حقیقی است نه توجه به ظواهر؛ به عبارتی دیگر شناخت حقیقت چشیدنی است نه دیدنی «مَنْ لَمْ يَذُقْ مِنْ لَمْ يَدْرِكْ» همانگونه که عزتی این مفهوم را برای کودکان این گونه ملموس و عینی می‌کند. «مشرتی قاه قاه خندید و گفت: هر کاری برای خودش دلیلی دارد. شاید هر اتفاقی را با اتفاقی که برای خودت افتاده یکی بدانی.» (همان: ۱۵)

این داستان تعلیمی و روانشناختی دارای آموزه‌هایی است که عبارتند از:

۱. پرهیز از اشتباه و شتاب در قضاوت؛
 ۲. نمایاندن زیان و نادرستی داوری های سطحی و غیرمنطقی؛
 ۳. جلوگیری از عصبانیت؛
 ۴. توجه به اصل ماهیت خواص اشیاء و موجودات جهان؛
 ۵. داشتن گذشت و ایثار در زندگی؛
 ۶. پذیرفتن اشتباهات خود در زندگی و پوزش خواستن در صورت اشتباه؛
 ۷. آموختن احساس مسئولیت در زندگی.
- روش نویسندگان در این بازنویسی با یک سری تغییرات همراه بوده است که عبارتند از :

۱ - انتخاب زبان ساده و پیراستن آن از پیچیدگی های نثر ادبی

خلق زبان کودکان در پی هم نشینی واژگان در جهت ایجاد رفتار ویژه زبان منجر به آفرینش خاصی شده از طرفی انتخاب واژگان متناسب با ساختار زبان کودک برای صمیمت افزوده است.

به عنوان مثال :

«سلام بچه ها

من آقا نباتم...»

یک طوطی قشنگ که به خاطر شیرین زبانی هایم،

این اسم را روی من گذاشتند.» (همان: ۲)

یا کاربرد هوشمندانه واژه «زنبورناقلا» بر تازگی و کودکانه بودن رفتار زبان افزوده است. به گونه ای که کاربرد واژگانی چون «آقانات»، «شیرین زبانی»، «خوش میگذره»، علاوه بر آنکه در خلق زبان کودکان نقش مهمی دارند به نوعی القاء کننده نوعی مفاخره کودکانه نیز است که متناسب با مقتضای حال و به زبان معیار امروزی بسیار نزدیک است.

۲ - زاویه دید:

راوی: آقانات شخصیت اول قصه ای است که در محیط زندگی خود با یک بازیگوشی بی موقع باعث عصبانیت عموبقال، شکستن شیشه روغن و چرب شدن بقالی می شود. او قهرمانی است که با گذشت و چشم پوشی در پایان قصه همه را می بخشد و پی به قیاس نابه جای خود می برد.

زاویه دید در دو داستان با هم متفاوت است به این صورت که راوی در متن اصلی سوم شخص (دانای کل) می باشد در حالی که در متن بازنویسته اول شخص می باشد. از مزایای این تغییر در این داستان این است که راوی (آقا نبات) با نفوذ آنچه که در ذهن و روان دیگر شخصیت ها (عموبقال، بچه ها و...) است ابعاد گوناگون روحی و روانی و فضای پیرامون شخصیت ها را از دید یک یک آن ها مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد. این شیوه روایت علاوه بر این که متن را صمیمانه تر می کند منجر می شود که مخاطب ماجرا را آسان تر باور کند. بیان این شیوه روایت در داستان باعث می شود تا مخاطب به دلیل داشتن تجربیات و آرزوهای مشترک حس همدلی بیشتری کند و همین امر باعث جذب مخاطب و مشارکت او با راوی می شود. از طرفی شرکت راوی اول شخص در کنش های داستانی باعث می شود تا راوی زوایای داستان را بهتر به نمایش بگذارد و این امر در تقویت ابعاد روایتی بسیار مؤثرند.

طرح: از جمله دلایلی که باعث می شود این نوشته طرحی منسجم و مورد قبول داشته باشد:

۱. بیان روایت داستان از زبان شخصیت اصلی، باورپذیری حوادث به گونه ای است که خواننده وقوعش را باور کرده و متقاعد می شود.

۲. جنبهٔ تسلسل و ارتباط حوادث با همدیگر
این بازنوشته در (مقدمه، تنه و پایان) با یک سری تغییرات همراه بوده است.

۳- مقدمه:

مقدمه دو داستان تا حدودی با هم متفاوت است. به این صورت که در متن اصلی راوی اشاره به طوطی دارد که دارای ویژگی‌هایی چون خوش‌نوایی، سبزگویا، نگهبان، نکته‌گویی و حاذق بودن اوست.

«بود بقالی او را طوطی	خوش‌نوایی، سبزگویا طوطی
بردگان بودی نگهبان دکان	نکته‌گفتی با همه سوداگران
در خطاب آدمی ناطق بُدی	در نوای طوطیان حاذق بُدی

(مولوی، ۱۳۷۲: ۱/ ۲۰)

در حالی که در متن بازنوشته دارای ویژگی‌هایی چون شیرین‌زبانی (ص: ۲): نگهبانی، بازیگوشی، آوازخوانی و کمی هم شیطان (ص: ۴-۶) به گونه‌ای که راوی با استفاده از توصیف و در قالب خاطره آن را برای بچه‌ها بازگو می‌کند.

۴- تنه:

تنه دو اثر نیز تا حدودی با هم متفاوت است. به این صورت که در متن اصلی علت گریختن طوطی مشخص نیست در حالی که در متن بازنوشته بازیگوشی او با زنبور ناقلا است. راوی متن اصلی پس از شکستن شیشه تنها به سکوت طوطی اشاره دارد. در حالی که در متن بازنوشته باز نویسی متناسب با سن مخاطبین کودک آن را ملموس‌تر کرده و اینگونه می‌نویسد «من خیلی ناراحت شدم گوشه‌ای کز کردم تا عمو بقال دعوایم نکنند.» (همان: ۸) و با آمدن عموبقال و کوبیدن چوب بر سر طوطی، نبات این چنین توصیف می‌کند. «سرم کمی گیج رفت و درد گرفت... بالم را روی سرم کشیدم...» (همان: ۹) این شیوه نگارشی و پایان گشوده بعد از فعل «گرفت» همچنین در پایان داستان به طور معمول نوعی کشش یا امتداد عاطفی را ایجاد می‌کند که فرجامی برای آن قابل تصور نیست در واقع این شیوه می‌تواند به نوعی امکان «سپید خوانی» را برای مخاطب به وجود آورد.

۵- پایان

پایان دو داستان در عین یکسان بودن پیام تا حدودی با هم متفاوت است. ورود مشتری کچل به جای صوفی به مغازه و فریاد زدن نبات، خوشحالی عموبقال و بغل کردن مشتری و بوسیدن او و توضیح حوادث روی داده برای مشتری و ارائهٔ پیام داستانی از زبان مشتری است که با آشتی کردن طوطی به پایان می‌رسد در حالی که در متن اصلی مولوی پس از سخن گفتن طوطی و آوردن امثال فراوان و قیاس نابه‌جای اینگونه به تفسیر و تبیین رفتارهای آدمی می‌پردازد که تفاوت آدمیان و بر سر نوع طعام، پوشاک و هیأت ظاهری آن‌ها نیست بلکه مولود ماهیت و خاصیت ذاتی آنان است.

۶- لحن:

لحن دو نوشته با هم متفاوت است. لحن نوشته اول بسیار جدی و رسمی است و متناسب با موضوع و سن مخاطبین خود نوشته شده است در حالی که لحن متن بازنوشته متناسب با فضای داستان کودکان دبستانی بسیار صمیمی و دوستانه است.

«اینجا به من و مشتری‌ها خیلی خوش می‌گذرد،

همه‌ی بچه‌ها و بزرگترها من را دوست دارند.
ما با هم حرف می‌زنیم و از دوستی با هم لذت می‌بریم.»

۷- بررسی شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان:

شخصیت‌های موجود در این داستان شبیه داستان‌های مدرن می‌باشد رخدادها در مکان مشخصی که همان بقالی است روی می‌دهد. شخصیت‌های اصلی در این داستان از نوع شخصیت‌های انسانی - حیوانی است و شخصیت فرعی داستان صوفی (مشرتی کچل) است که در پیشبرد و اوج داستان نقش بسزایی دارد. صوفی داستان مولانا در متن بازنوشته تبدیل به مشرتی کچلی می‌شود که با ورود او به بقالی داستان به اوج خود می‌رسد و پیام داستان از زبان او گفته می‌شود.

روایت داستان از زبان شخصیت موجود در داستان که در حقیقت جزو شخصیت‌های اصلی است. ماجرا را برای مخاطب باور پذیرتر می‌کند. او در ضمن روایت احساسات شخصیت‌ها را بیان می‌کند احساساتی که در مثنوی درج نشده است او با استفاده از این شیوه متن را برای مخاطبین خویش تأثیرگذارتر کرده است و به صرافت می‌توان گفت که اثر برگزیده عزتی ویژگی یک باز نویسی خلاق را دارد. علاوه بر شخصیت‌های موجود در متن اصلی، شخصیت‌های جدیدی نیز به متن بازنوشته افزوده می‌شود که عبارتند از:

۱- زنبور ناقلا
۲- بچه‌ها، مردم و مشرتی‌ها

ساخت اسامی خاص با ساختار کودکانه و ترکیبی از اسم محبوب «آقا» و «عمو» برای کودکان نوعی مهربانی و خاطره را به همراه دارد که در حین داشتن روابط دوستانه و صمیمی در پیشبرد داستان نقش بسزایی دارند. هم چنین آوردن پسوندی چون «ناقلا» در کنار «زنبور» در تقویت محور عاطفی و سرگرمی زبان کودکانه حائز اهمیت است. آوردن واژه‌ها و صفاتی چون «قشنگ و شیرین زبان» از یک سو و معرفی نام «نبات» در ابتدای داستان نوعی خوش خلقی، مهربانی، عزیز بودن و شیرین زبانی طوطی را به ذهن خواننده القا می‌کند. از طرفی نویسنده در این داستان با استفاده از توصیف و گفت و گو به پردازش متن داستان می‌پردازد هرچند که گوینده (راوی - نویسنده) در گفت و گوی یک سویه‌ای مخاطب خویش را مشخص کرده است و با او سخن می‌گوید ولی از او انتظار شنیدن جوابی را ندارد.

نبات در این داستان تمثیلی نماینده غفلت‌های همیشگی انسان و ندیدن عاقبت کار است. وعده دادن و فراموش کردن؛ همچون وعده‌هایی که به خدا می‌دهیم و بعد فراموش می‌کنیم و سرانجام توجیهاتی که برای انجام کارهای خود می‌آوریم مثل حوصله سررفتن، بی‌کاری و...

استفاده نویسنده در پردازش و معرفی شخصیت‌های داستانی از طریق «آقا نبات» باعث می‌شود تا او به درون شخصیت‌ها نفوذ کرده و با نمایش عمل و کشمکش‌های ذهنی و عواطف درونی آن‌ها از جمله رفتار خودخواهانه و شتاب زده عمو بقال را به نمایش بگذارد. از سوی دیگر واکنش عموبقال و نبات در برابر رخدادها نیز راهی برای نشان دادن خلق و خوی و دگرگونی‌های درونی آن‌ها است. برای نمونه نبات در برابر عمو واکنش شدید نشان داده و با او قهر می‌کند و عمو بقال نیز برای پایان دادن به این قضیه ضمن آنکه ناراحت می‌شود و احساس پشیمانی می‌کند از او معذرت خواهی می‌کند. علاوه بر این رفتارهای نبات شیطنت و بازیگوشی‌های بچگانه را به ذهن تداعی می‌کند. ترس و کز کردن او در گوشه‌ای بیانگر حالات درونی اوست که راوی با استفاده به‌جا از واژگان، تصویرسازی‌های مناسب و ملموس، استفاده همزمان از توصیف و گفت و گو آن‌ها را بسیار زیبا، جذاب، ملموس و دوست‌داشتنی به خواننده معرفی می‌کند.

۸ - صحنه:

رویدادهای این داستان در مکانی به نام بقالی است که در آن بازنویس می‌کوشد تا با بهره بردن از روش‌های گوناگون صحنه وقوع رویدادهای داستان را در ذهن مخاطب ترسیم کند. در این داستان ترکیب صحنه را هم واژه‌ها بوجود می‌آورند و هم تصاویر لذا نویسنده با ارائه آمیزه‌ای از واژه‌ها و تصاویر ترکیب صحنه را به وجود می‌آورد به عنوان مثال حضور زنبور ناقل در بالای سر آقا نبات به زیبایی در تصویر نشان داده شده است یا در همان صفحه‌ای که نبات به شرح و توصیف و ترسیم خود، بچه‌ها و عمو بقال می‌پردازد تصویر یک بقالی به همراه عمو و بچه‌ها دیده می‌شود که بچه‌ها در حال صحبت کردن با نبات هستند. اما آنچه در ارائه صحنه رویدادهای این بازنوشته باید به آن توجه نمود این است که تصاویر برای ارائه صحنه نسبت به واژه نقش پررنگ تری دارند.

۹- تصاویر:

حضور تصاویری چون بازی بچه‌ها با آقا نبات و شیرین زبانی‌های آقا نبات در بقالی، آمدن زنبور ناقل و بازی نبات با او، برخورد نبات به شیشه‌های روغن و شکستن یکی از آنها، عصبانیت عموبقال، زدن چوب بر سر نبات و ریختن موهای نبات، قهر کردن نبات و گریه و زاری عموبقال و ناراحتی بچه‌ها و همه همه دست به دست هم می‌دهند تا کودک با نگاه کردن به تصاویر بتواند داستان را حدس بزند. در این اثر تصاویر آنقدر زیبا و جذاب به تصویر آمده‌اند که گاه بر متن پیشی می‌گیرند و به تنهایی و حتی بدون متن نیز می‌تواند به عنوان یک کتاب تصویری خوب مورد استفاده قرار گیرد.





نتیجه گیری:

حاصل آنکه با بازنویسی متون کهن می‌توان آرام آرام گستره وسیعی از فرهنگ غنی ادبیات را در اختیار کودکان قرار داد تا همراه با کودکان مرحله به مرحله و آرام آرام متناسب گروه سنی آنان جلو رفت و دو امانت بزرگ فرهنگی و انسانی که بر عهده ماست به کودکان، آینده سازان فردای جامعه، بدون آنکه حالت تحمیلی داشته باشد انتقال داد تا از این طریق ضمن به روز نمودن باورها و اندیشه‌های پرارزش پیشینیان، با دادن آگاهی‌های درست، نکات اخلاقی، اجتماعی و تعلیمی را به کودک معرفی و به او کمک کرد تا فرهنگ خود و فرهنگ جوامع دیگر را بهتر بشناسد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بازنویس تنها در درونمایه و پیام به متن اصلی وفادار بوده است و در دیگر عناصر داستانی از جمله زاویه دید، شخصیت و شخصیت‌پردازی، طرح، لحن، زبان، شکل و صحنه به متن اصلی وفادار نبوده است. از طرفی آشنایی با ادبیات کهن، مثبت‌نگری و لذت‌جویی از متن ادبی، داشتن مقدمه، تنه و پایان مناسب، روایت دوباره و خلق شخصیت‌های جدید و فضاآفرینی مناسب در هنگام روایت با حوادث، انتخاب کلمات آهنگین، بیان تصاویر ذهنی خلّاق، به کارگیری زبان عاطفی، صحنه‌سازی مناسب، استفاده از زاویه دید اول شخص، رعایت قوانین نگارشی و دستوری، توجه به روابط علی و معلولی، توجه به گروه سنی کودکان و دایره واژگانی آن‌ها در هنگام پردازش باعث گردیده تا نویسندگان پیام خود را هر چه هنری‌تر به مخاطب برسانند و همین امر باعث گردید تا این کتاب به عنوان اثری جذاب و خواندنی مورد توجه مخاطبین کودک قرار گیرد.

فهرست منابع

۱. انوشه، حسن (۱۳۷۶)، *دانشنامه ادب فارسی (۲)* (گزیده اصطلاحات، مضامین وموضوعات ادب فارسی) تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی.
۲. پایور، جعفر (۱۳۸۰)، *شیخ در بوته*، چگونگی روش های بازنویسی و بازآفرینی، تهران: نشر اشراقیه.
۳. _____ (۱۳۸۸)، *بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات*، به کوشش فروغ الزمان جمالی، تهران: انتشارات کتابدار.
۴. عزتی چهارقلعه، مهدی (۱۳۸۸)، «*طوطی و بقال*»، تهران: نسل نواندیش: انتشارات من و کیمیا.
۵. کریم زاد، مریم (۱۳۸۴)، *بررسی بازنویسی ها و بازآفرینی های شاهنامه برای کودکان و نوجوانان*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه یزد.
۶. لطفی نژاد جلالی، سودابه (۱۳۹۱) *بررسی و تحلیل بازنویسی متون کهن فارسی برای کودکان دبستانی در دهه ۱۳۸۰*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور رشت.
۷. میر صادقی، جمال و میمنت میر صادقی (۱۳۷۷)، *واژه نامه هنر داستان نویسی*، تهران: انتشارات کتاب مهناز.
۸. هاشمی نسب، صدیقه (۱۳۷۱)، *کودکان و ادبیات رسمی ایران*، بررسی جنبه های مختلف بازنویسی از ادبیات کلاسیک ایران برای کودکان و نوجوانان، تهران: انتشارات سروش.

